

## خدیده علیها السلام در خانه پیامبر صلی الله علیه و آله

علامه جعفر مرتضی عاملی

### مقدمه

در تاریخ پر فراز و نشیب اسلام، کمتر بانویی در جامعه زنان همچون حضرت خدیجه علیها السلام همسر بزرگوار رسول خدا صلی الله علیه و آله درخشیده است. بهره‌مندی از صفات عالی و رفتار برخاسته از بینش متعالی او، چنان شخصیتی از وی ساخته بود که تا سال‌ها پس از رحلت جانسوزش، هر گاه پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نام او را می‌شنید، اشک بر گونه‌های مبارکش جاری می‌شد و از او به بزرگی یاد می‌نمود. آن حضرت از نیکوترین و عقیف‌ترین زنان عرب قبل از اسلام، اولین زن مسلمان بعد از اسلام و نیز از اشراف مکه و زنی خردمند، هوشمند، با درایت، پارسا و پاکدامن بود. زنی تاجرزاده، بزرگ و ثروتمند که به استناد روایات فراوان، علی‌رغم اینکه بزرگان بسیاری در مکه از او خواستگاری کرده بودند، اما او تمایل خود را به ازدواج با پیامبر صلی الله علیه و آله اظهار نمود. این نوشتار در قالب مقاله و پرسش و پاسخ تدوین شده است.

### سفر به شام

پیامبر صلی الله علیه و آله در سن ۲۵ سالگی برای دومین بار به شام سفر کرد.<sup>۱</sup> این سفر تجاری و برای حضرت خدیجه علیها السلام بود. هنگامی که روزگار بر حضرت ابوطالب علیه السلام و پیامبر صلی الله علیه و آله سخت شد، حضرت ابوطالب علیه السلام آن سفر را به حضرت پیشنهاد داد، اما پیامبر صلی الله علیه و آله قبول نکرد که خود به حضرت خدیجه علیها السلام پیشنهاد دهد. وقتی گفتگوی حضرت ابوطالب علیه السلام و پیامبر صلی الله علیه و آله به حضرت

۱. برگرفته از دانشنامه حضرت خدیجه علیها السلام.

۲. محمد باقر مجلسی؛ بحارالانوار؛ ج ۱۶، ص ۹.

خدیجه علیها السلام رسید، او به پیامبر صلی الله علیه و آله پیشنهاد تجارت داد و دو برابر وجهی که به دیگران می پرداخت، به پیامبر صلی الله علیه و آله عطا کرد؛ زیرا راستی کلام، امانت و اخلاق کریم او را شناخته بود. بنا بر برخی روایات، حضرت ابوطالب علیه السلام خود با حضرت خدیجه علیها السلام صحبت کرد و او خشنودی و تمایلش را اعلام داشت و آنچه اجرت خواست، به وی داد. سفر پیامبر صلی الله علیه و آله به شام انجام شد و چند برابر دیگران سود برد. در سفر، کرامات روشنی از ایشان ظاهر شد. وقتی کاروان به مکه بازگشت، «میسرة» تمام اتفاقات را به حضرت خدیجه علیها السلام گزارش نمود. حضرت خدیجه علیها السلام آن ها را به اضافه آنچه خود از پیامبر صلی الله علیه و آله دیده بود، برای پسر عمویش «ورقه بن نوفل» بیان کرد.

### ازدواج پیامبر صلی الله علیه و آله با حضرت خدیجه علیها السلام

حضرت خدیجه علیها السلام از نظر شرافت، در زمره بهترین زنان قریش و ثروتمندترین و زیباترین آن ها بود. در عصر جاهلیت «طاهره»<sup>۱</sup> خوانده می شد و به او «سیده قریش» می گفتند و تمام خویشاوندانش تمایل شدیدی به ازدواج با او داشتند.<sup>۲</sup> بزرگان قریش از وی خواستگاری کردند؛ از جمله «عقبه بن ابی معیط»، «صلت بن ابی بهاب»، «ابوجهل» و «أبوسفیان»،<sup>۳</sup> اما حضرت خدیجه علیها السلام همه را کنار گذاشت و پیامبر صلی الله علیه و آله را به خاطر اخلاق ارزشمند، شرافت نفس، ملکات پسندیده و صفات متعالیه ای که در او سراغ داشت، انتخاب نمود. به استناد روایات فراوان، حضرت خدیجه علیها السلام بود که در ابتدا تمایل خود را به ازدواج با پیامبر صلی الله علیه و آله اظهار نمود. حضرت ابوطالب علیه السلام با خانواده اش و تعدادی از قریش، نزد عمرو بن أسد، عموی خدیجه علیها السلام رفتند؛ زیرا پدر حضرت خدیجه علیها السلام در جنگ فجار یا پیش از آن، کشته شده بود.<sup>۴</sup>

### خطبه حضرت ابوطالب علیه السلام

بنا بر نقل مشهور، حضرت ابوطالب علیه السلام پانزده سال قبل از بعثت، حضرت خدیجه علیها السلام را برای پیامبر صلی الله علیه و آله خواستگاری کرد و در خطبه اش چنین فرمود:

۱. ر.ک: ابن حجر عسقلانی؛ الأصابة فی تمییز الصحابة؛ ج ۴، ص ۲۸۱.
۲. ر.ک: ابن کثیر دمشقی؛ البداية و النهایة؛ ج ۲، ص ۲۹۴.
۳. محمد باقر مجلسی؛ بحار الأنوار؛ ج ۱۶، ص ۲۲.
۴. علی بن عیسی اربلی؛ کشف الغمة فی معرفة الأئمة؛ ج ۲، ص ۱۳۹.

حمد و سپاس صاحب این بیت را، که ما را از نژاد ابراهیم و فرزندان اسماعیل قرار داد و در حرم امن پناهمان بخشید. ما را حاکم بر مردم گمارد و شهری که در آن به سر می‌بریم، برایمان مبارک کرد... [سپس گفت] این پسر برادر من با هیچ مردی از قریش مقایسه نمی‌شود، مگر اینکه او برتر آید! با هیچ مردی مقایسه نمی‌شود، الا اینکه بزرگ‌تر آید که در هستی همتایی ندارد. اگر چه ثروتش اندک است؛ اما ثروت، میهمان‌گذرا و سایه فناپذیری است. او به خدیجه علیها السلام تمایل دارد و ما آمده‌ایم تا وی را با رضایت و امر خودش، از تو خواستگاری کنیم. کابین او به عهده من، از اموال من، هر آنچه بخواهید، نقد و نسیه می‌پذیرم. سوگند به صاحب این خانه، برای او بهره فراوان و دین رایج و رأی کامل است.<sup>۱</sup>

### نگاهی به سخنان حضرت ابوطالب علیه السلام

خطبه حضرت ابوطالب علیه السلام، جایگاه والای رسول خدا صلی الله علیه و آله را برای همگان روشن می‌کند. این خطبه حاکی از آن است که مردم علامت‌های نبوت و نور هدایت را در او می‌یافتند و منتظر بودند که وی همان کسی باشد که موسی علیه السلام و عیسی علیه السلام بشارت آمدنش را داده بودند. فردی که با هر کسی که سنجیده شود، برتر از اوست و هر مردی که با او مقایسه شود، وی بزرگ‌تر از او خواهد بود. سخنان حضرت ابوطالب علیه السلام گویای شرافت و احترام بنی‌هاشم در میان مردم آن روزگار و محل امن بودن حرم خداوند برای افراد دور و نزدیک از دیدگاه عرب است. کلام او درباره فقر پیامبر صلی الله علیه و آله و بیان ملاکی برتری بر مردها، نشانگر نگاه ژرف و والای او به انسان است؛ چنانکه نشان می‌دهد او در برابر واقعیات، با پختگی و هوشیاری و بردباری موضع می‌گرفت.

### مهریه حضرت خدیجه علیها السلام

حضرت ابوطالب علیه السلام از مال خود، ضامن مهر شد؛ چنانکه مفاد صریح خطبه‌اش بود، اما حضرت خدیجه علیها السلام آن را برگرداند و مهر را از مال خود تضمین نمود. فردی گفت: «عجیب است که مهر به نفع مردان و در عهده زنان باشد!». ابوطالب علیه السلام از این سخن رنجید و فرمود: «اگر همانند پسر برادر من باشند، آن‌ها را با بالاترین بها و سنگین‌ترین مهریه خواستارند؛ اما اگر امثال شما باشند، حاضر به ازدواج نخواهند شد؛ مگر با مهریه‌های سنگین».

۱. محمد بن یعقوب کلینی؛ الکافی؛ ج ۵، ص ۳۷۴ و ۳۷۵.

### حضرت خدیجه علیها السلام، نمونه برتر

بانوی خردمند، فکور و آزاده، مغرور زرق و برق دنیا نمی‌شود. لذت مال و شهرت را فقط برای لذت بردن از آن نمی‌خواهد؛ بلکه به دنبال چیزهایی است که به وسیله آن‌ها بتواند مقاصد عالی حیات را دنبال، و متحقق کند؛ آن‌گونه که حضرت خدیجه علیها السلام انجام داد. او بر سینه بزرگان قریش و صاحبان زر، زور، مقام و سلطنت دست رد زد و در جستجوی مرد فقیری برآمد که اندوخته‌ای ندارد. سرّ پیشنهاد ازدواج او به پیامبر صلی الله علیه و آله نیز همین است؛ زیرا او به هیچ یک از این‌ها چشم ندوخته بود؛ چه اینکه این‌ها گاهی موجب نابودی زندگی و انسان، حتی همه انسانیت می‌شوند. حضرت خدیجه علیها السلام، تنها به اخلاق فاضله، ملکات پسندیده، واقعیت در رفتار و تعالی در هدف می‌اندیشید؛ زیرا این‌ها اموری هستند که می‌توانند ثروت، مقام و قدرت را تسخیر نمایند و هر چیز را در خدمت انسان و انسانیت و تکامل او به مراتب عالی قرار دهند.

عموم مورخین، به‌رغم اختلاف سلیقه، روش و سبک‌هایی که دارند، می‌گویند حضرت خدیجه علیها السلام زیباترین زن قریش بود؛ چنانکه تردیدی نیست که او برترین همسر پیامبر صلی الله علیه و آله بوده است. این نکته می‌تواند راز ناراحتی برخی از زنان پیامبر صلی الله علیه و آله را نسبت به حضرت خدیجه علیها السلام برای همگان روشن کند که حتی بعد از رحلتش، پیوسته در صدد تضعیف و عیب‌جویی او بودند؛ به‌رغم اینکه هرگز با او در خانه پیامبر صلی الله علیه و آله زندگی نکرده بودند. شاید «ام‌سلمه» میان همسران پیامبر صلی الله علیه و آله از نظر فضیلت، اخلاق، محبت و حتی زیبایی در مرتبه دوم باشد؛ چنانکه از سخن امام باقر علیه السلام به دست می‌آید.

زنان صاحب جمال و اخلاق پیامبر صلی الله علیه و آله، پیوسته با ناراحتی و توطئه سایر همسران آن حضرت که از زیبایی بی‌بهره و به رعایت کامل ادب در برابر پیامبر صلی الله علیه و آله نیز ملتزم نبودند، مواجه می‌شدند. این موضوع‌گیری‌ها و رفتارها، پیامبر صلی الله علیه و آله را نیز آزار می‌داد.

### آیا پیامبر صلی الله علیه و آله با حضرت خدیجه علیها السلام به طمع ثروتش ازدواج کرد؟

برخی مستشرقین - که پیوسته با تهمت‌های ناروا اسلام را متهم می‌کنند - معتقدند پیامبر صلی الله علیه و آله به انگیزه رسیدن به اموال حضرت خدیجه علیها السلام با او ازدواج کرد.<sup>۱</sup>

این در حالی است که حضرت خدیجه علیها السلام تمام اموال خود را با میل و رغبت برای دعوت به

۱. محمد حسن آل یاسین؛ کتاب النبوة؛ ص ۶۳.

اسلام و در مسیر دین انفاق کرد. او بود که به پیامبر صلی الله علیه و آله پیشنهاد ازدواج داد.<sup>۱</sup> شیخ محمد حسن آل یاسین، معتقد است علاقه پیامبر صلی الله علیه و آله و تقدیر او از حضرت خدیجه علیها السلام در طول حیاتش و حتی پس از رحلت حضرت خدیجه علیها السلام که موجب حسادت برخی همسران حضرت می شد که نه حضرت خدیجه علیها السلام را دیده و نه با او زندگی کرده بودند - دلیل واضحی بر بطلان این اندیشه است.<sup>۲</sup>

### آیا حضرت خدیجه علیها السلام قبل از پیامبر صلی الله علیه و آله ازدواج کرده بود؟

برخی تاریخ نویسان معتقدند که همسران پیامبر صلی الله علیه و آله غیر از عایشه، دوشیزه نبودند. درباره حضرت خدیجه علیها السلام می گویند: او قبل از ازدواج با پیامبر صلی الله علیه و آله، با دو نفر دیگر به نام های «عتیق بن عابد مخزومی» و «ابوهاله التمیمی» ازدواج کرده بود و از آن ها صاحب فرزند نیز شده بود. در این سخنان تردید جدی وجود درد و احتمال دارد بسیاری از سخنان در این مورد، توسط سیاست بازان پردازش شده باشد.

درباره نام «ابوهاله» اختلاف وجود دارد که آیا نامش «نباش بن زرارة» است یا «زرارة بن نباش» یا هند و یا مالک و اینکه آیا او صحابی بوده است یا خیر؟<sup>۳</sup> آیا هند، همان فرزندی که حضرت خدیجه علیها السلام به دنیا آورده است؟ از این شوهر بوده یا از دیگری؟ اگر فرزند عتیق باشد، او دختر است<sup>۴</sup> و الا پسر و آیا او در جنگ جمل در سپاه علی علیه السلام کشته شد یا در بصره به مرض طاعون<sup>۵</sup>؟ اما در این فرصت فقط به چند نکته پرداخته می شود.

اول: ابن شهر آشوب می گوید: احمد بلاذری و ابوالقاسم کوفی، در کتاب خود و مرتضی در الشافی و ابوجعفر در تلخیص روایت می کنند که پیامبر صلی الله علیه و آله - با توجه به آنچه در کتاب های الانوار و البدع آمده که رقیه و زینب دختران هاله، خواهر حضرت خدیجه علیها السلام بوده اند<sup>۶</sup> - با

۱. ابن کثیر دمشقی؛ البداية و النهایة؛ ج ۲، ص ۲۹۴.

۲. محمد حسن آل یاسین؛ کتاب النبوة؛ ص ۶۳.

۳. حسن بن عبدالله عسکری؛ الأوائل؛ ج ۱، ص ۱۵۹ (پاورقی).

۴. همان. وی می گوید: «این هند با صیفی بن عائد ازدواج کرد و محمد بن صیفی را به دنیا آورد».

۵. ر.ک: ابن حجر عسقلانی؛ الاصابة فی تمییز الصحابة؛ ج ۳، ص ۶۱۱ و ۶۱۲.

۶. ابن شهر آشوب مازندرانی؛ مناقب آل ابی طالب علیهم السلام؛ ج ۱، ص ۱۵۹.

حضرت خدیجه عَلَيْهَا السَّلَامُ در حالی ازدواج کرد که او عذرا (دوشیزه) بود. او خود نیز همین معنا را تأیید می‌کند.

دوم: ابوالقاسم کوفی نیز می‌گوید: اجماع خاص و عام صاحبان آثار و ناقلین اخبار، این است که از همه بزرگان قریش، رؤسا و جوانمردان از حضرت خدیجه عَلَيْهَا السَّلَامُ خواستگاری کردند و او همه را رد کرد. وقتی رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ با وی ازدواج کرد، زنان قریش از او ناراحت شدند و او را ترک کردند و گفتند: «بزرگان و امرای قریش از تو خواستگاری کردند. همه را رد کردی و با محمد، یتیم ابوطالب، فقیر و تهیدست ازدواج نمودی؟».

حال اهل فهم چگونه می‌توانند بپذیرند که حضرت خدیجه عَلَيْهَا السَّلَامُ به همسری مردی بدوی از بنی تمیم درآمده و خواستگاری بزرگان قریش را رد کرده است؟<sup>۱</sup> نظریه غیر قابل قبولی که می‌گوید «ممکن نیست زنی شریف و زیبا در این مدت طولانی بدون شوهر بماند»، نمی‌تواند سخن ابوالقاسم کوفی، مؤلف الاستغاثه را رد کند؛ زیرا این نظریه غیر قابل قبول نمی‌تواند مصحح آن باشد که او بزرگان قریش را رها سازد و مردی از بنی تمیم را بپذیرد.

پدر حضرت خدیجه عَلَيْهَا السَّلَامُ در جنگ فجار کشته شد و ولی‌اش بر او سلطه پدرانه نداشت تا او را به ازدواج با کسی که می‌خواهد، مجبور کند. مجرد باقی ماندن زنی شریف و زیبا برای مدتی، مسأله‌ای کم‌اهمیت نیست. البته اگر برای دستیابی به مردی بافضیلت و کاملی باشد که وجودش در آن عصر کمیاب بوده است، می‌تواند قابل قبول باشد. ممکن است عجیب باشد که کسی به خواستگاری او نرفته باشد؛ به‌ویژه کسی همچون حضرت خدیجه عَلَيْهَا السَّلَامُ با آن موقعیت و مزیت، اما موضوع در مورد حضرت خدیجه عَلَيْهَا السَّلَامُ این‌گونه نبود؛ بلکه بزرگان قریش از او خواستگاری کردند.

سوم: برخی می‌گویند اولین شهید اسلام، «حارث بن اُبی‌هاله» فرزند حضرت خدیجه عَلَيْهَا السَّلَامُ است. شهادت او زمانی رخ داد که پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ دعوت به اسلام را آشکار کرد؛<sup>۲</sup> اما این سخن پذیرفتنی نیست؛ زیرا بنا بر روایتی که به سند صحیح از «قتاده» نقل شده، اولین شهید اسلام، سُمیه مادر عمار است.<sup>۳</sup> از «مجاهد» نیز همین مطلب روایت شده است.<sup>۴</sup> از ابن عباس نیز نقل

۱. ابوالقاسم علی بن احمد کوفی؛ الاستغاثه؛ ج ۱، ص ۷۰.

۲. حسن بن عبدالله عسکری؛ الأوائِل؛ ج ۱، ص ۳۱۱ و ۳۱۲.

۳. ابن حجر عسقلانی؛ الأصابة فی تمییز الصحابة؛ ج ۴، ص ۳۳۵.

۴. یوسف بن عبدالله ابن عبدالبر؛ الاستیعاب؛ ج ۴، ص ۳۳۱.

است که پدر و مادر عمار کشته شدند و آن‌ها اولین افرادی بودند که از مسلمانان به قتل رسیدند.<sup>۱</sup> مگر آنکه ادعا شود سُمیه، نخستین زنی است که شهید شد و حارث، اولین مرد شهید است. این احتمال نیز بعید، و با ظاهر سخنان آن‌ها مخالف است؛ به ویژه اینکه کلمه شهید با یک واژه بر مذکر و مؤنث اطلاق می‌شود، مانند قَتیل و جریح.

شهید، شخص یا ذاتی است که وصف شهادت بر آن ثابت شود؛ چون مشتقات، بر ذاتی دلالت دارند که وصفی برایش ثابت شده است. از این رو، کلمه تقی به معنای شخصی است که دارای تقوی است و قائم نیز چنین است. کلمه شخص یا ذات یا مانند آن، بر مرد و بر زن و نیز بر هر دو اطلاق می‌شود. بر همین اساس، عبارت «طَلَبُ الْعِلْمِ فَرِيضَةٌ عَلَى كُلِّ مُسْلِمٍ»<sup>۲</sup> جستجوی دانش بر هر مسلمانی لازم است» را به گونه‌ای تفسیر می‌شود که مرد و زن را در بر می‌گیرد.

اگر در مشتق «ال» موصولی باشد مانند القائم و المتقی، موضوع روشن‌تر و آشکارتر می‌شود؛ زیرا «ال» به منزله «الذی؛ کسی» است؛ بنابراین القائم، به معنای شخصی است که دارای قیام است و اراده مرد و زن و هر دو درست است.

تعبیرهای قرآنی بر همین منوال به کار رفته است؛ مانند المتقین، المؤمنین، الشاکرین و ... مرد و زن را به طور جداگانه در بر می‌گیرند. گاهی لازم است برای هر جنس تصریح شود؛ از این روست که قرآن نیز در برخی موارد صریحاً مقصود خود را بیان می‌کند و به مردان می‌فرماید: «قُلْ لِلْمُؤْمِنِينَ يَغُضُّونَ مِنْ أَبْصَارِهِمْ»<sup>۳</sup> به مؤمنان بگو چشم‌های خود را (از نگاه به نامحرم) فرو گیرند». به زنان نیز می‌فرماید: «وَقُلْ لِلْمُؤْمِنَاتِ يَغْضُضْنَ مِنْ أَبْصَارِهِنَّ»<sup>۴</sup> به زنان با ایمان بگو چشم‌های خود را از نامحرم فرو بندند».

بنابراین، این متن نمی‌تواند وجود پسری برای خدیجه علیها السلام را اثبات کند؛ چنانکه ثابت شده است که بخشی از آن دروغ است. شاید این دروغ، به طور غیر مستقیم به این سخن که حضرت خدیجه علیها السلام از پیامبر صلی الله علیه و آله صاحب پسر شد، اشاره داشته باشد و این نکته غیر قابل اشکال است.

۱. نصر بن مزاحم منقری؛ وقعة صفین؛ ص ۳۲۵.

۲. محمد بن یعقوب کلینی؛ الکافی؛ ج ۱، ص ۳۰.

۳. نور: ۳۰.

۴. نور: ۳۱.

**چهارم:** روایت شده است که حضرت خدیجه علیها السلام، خواهری به نام «هاله» داشت<sup>۱</sup> که با مردی از طایفه «مخزوم» ازدواج کرد و صاحب دختری به نام «هاله» شد. سپس با مردی از «بنی تمیم» که «ابوهند» خوانده می‌شد، ازدواج کرد و از او دارای فرزندی به نام «هند» شد. مرد تمیمی از همسر دیگرش، صاحب دو فرزند به نام‌های «رقیه» و «زینب» بود. پس از مرگ مرد تمیمی و همسرش، هند نزد خاندان پدری‌اش رفت و هاله، خواهر حضرت خدیجه علیها السلام، همراه دو دختر شوهرش باقی ماندند. حضرت خدیجه علیها السلام آن‌ها را نزد خود برد و هنگامی که با پیامبر صلی الله علیه و آله ازدواج کرد، هاله نیز درگذشت و آن دو کودک همچنان نزد حضرت خدیجه علیها السلام و رسول‌الله صلی الله علیه و آله باقی ماندند.

عرب معتقد است «ریبه»،<sup>۲</sup> دختر انسان است؛ از این رو «رقیه» و «زینب» را به پیامبر صلی الله علیه و آله نسبت داده‌اند؛ با وجود اینکه آن‌ها دختران ابوهند، همسر خواهر حضرت خدیجه علیها السلام بودند. شاید این روایات با اختلافی که در نام پدر هند وجود دارد، تأیید شود.

### حضرت خدیجه علیها السلام هنگام ازدواج چند سال داشت؟

درباره اختلاف سن حضرت خدیجه علیها السلام هنگام ازدواج با پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله، نظرات مختلف است و این اختلاف را بین ۲۵ تا ۴۶ سال گفته‌اند.

الف. ۲۵ سال، بیهقی این نظر را صحیح می‌داند.<sup>۳</sup>

ب. ۲۸ سال، مورخان بسیاری این قول را قبول کرده‌اند.<sup>۴</sup>

ج. ۳۰ سال.<sup>۵</sup>

د. ۳۵ سال.<sup>۶</sup>

ه. ۴۰ سال.<sup>۷</sup>

۱. در کتب انساب نام وی ذکر شده است. ر.ک: مصعب بن عبدالله زبیری؛ نسب قریش.  
 ۲. ابوالقاسم علی بن احمد کوفی؛ الاستغاثه؛ ج ۱، ص ۶۸ و ۶۹.  
 ۳. احمد بن حسین بیهقی؛ دلائل النبوة؛ ج ۲، ص ۷۱.  
 ۴. عبدالحی بن عماد حنبلی؛ شذرات الذهب فی أخبار من ذهب؛ ج ۱، ص ۱۴.  
 ۵. علی بن برهان حلبی؛ السیرة الحلبیة؛ ج ۱، ص ۱۴۰.  
 ۶. اسماعیل بن عمر ابن‌کثیر؛ البداية و النهایة؛ ج ۲، ص ۲۹۵.  
 ۷. احمد بن یحیی بلاذری؛ انساب الأشراف؛ ص ۹۸.



و. ۴۴ سال.<sup>۱</sup>

ز. ۴۵ سال.<sup>۲</sup>

ح. ۴۶ سال.<sup>۳</sup>

بسیاری از مورخان، قول دوم را ترجیح داده‌اند و ابن عماد نیز آن را ذکر کرده است؛ اما بیهقی قول اول را صحیح دانسته و معتقد است: «[حضرت] خدیجه علیها السلام به سن ۶۵ سالگی رسید و گفته می‌شود پنجاه سالگی که این قول، اصح است».<sup>۴</sup>

بنا به نظر بیهقی که معتقد است حضرت خدیجه علیها السلام پانزده سال پیش از بعثت با رسول خدا صلی الله علیه و آله ازدواج کرده و هنگام وفات نیز ۵۰ سال داشته است؛<sup>۵</sup> بنابراین سن حضرت خدیجه علیها السلام هنگام ازدواج، ۲۵ سال بوده است. افراد دیگری غیر از بیهقی نیز این نظر را بهتر دانسته‌اند،<sup>۶</sup> اما حاکم که قول دوم را از ابن اسحاق روایت کرده است؛ حقیقت نظر خود را تشریح نمی‌کند و فقط وقتی از هشام بن عروه نقل می‌کند که حضرت خدیجه علیها السلام در سن ۶۵ سالگی درگذشت، می‌گوید: «این سخن نامتداولی است؛ زیرا به نظر من عمر او به شصت سال نرسیده است».<sup>۷</sup> این مطلب بر نظریه غیر متداولی دلالت دارد که می‌گوید: «[حضرت] خدیجه علیها السلام در سن چهل سالگی با پیامبر صلی الله علیه و آله ازدواج کرد». وی معتقد است سن او در آن زمان کمتر از ۳۵ سال بوده است، اما او نظرش را بیان نمی‌کند که آیا سن خدیجه علیها السلام ۳۰ سال بوده است؟ یا ۲۸ سال و یا ۲۵ سال؟ بنابراین بیشتر مورخین و محدثین سن خدیجه علیها السلام را حدود ۲۵ تا ۲۸ سال دانسته‌اند که در آن زمان، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نیز ۲۵ ساله بودند. بنابراین میان پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و حضرت خدیجه علیها السلام تفاوت سنی نبوده و یا حدود سه سال بوده است.

## فهرست منابع

۱. ابن حجر عسقلانی، احمد بن علی؛ الاصابة فی تمييز الصحابة؛ تحقیق: عادل احمد، علی محمد، بیروت: دارالکتب العلمیة، ۱۴۱۵ق.

۱. عبدالقادر بدارن؛ تهذیب تاریخ دمشق؛ ج ۱، ص ۳۰۳.

۲. ابوزکریا یحیی بن شرف نووی؛ تهذیب الأسماء؛ ج ۲، ص ۳۴۲.

۳. احمد بن یحیی بلاذری؛ انساب الأشراف؛ ص ۹۸.

۴. ابونعیم اصفهانی؛ دلائل النبوة؛ ج ۲، ص ۷۱.

۵. همان، ص ۷۲.

۶. جلال مظهر؛ محمد رسول الله صلی الله علیه و آله: سیره و اثره فی الحضارة؛ ص ۴۵.

۷. ابوعبدالله حاکم نیشابوری؛ المستدرک علی الصحیحین؛ ج ۳، ص ۱۸۲.

٢. ابن شهر آشوب، محمد بن على مازندراني؛ مناقب آل ابى طالب؛ تحقيق: گروهى از اساتيد نجف اشرف، نجف: المكتبة الحيدرية، ١٣٧٦ق.
٣. ابن عبد البرّ، يوسف بن عبدالله قرطبي؛ الاستيعاب فى معرفة الأصحاب؛ تحقيق: على محمد بجاوى، بيروت: دار الجيل، ١٤١٢ق.
٤. ابن عماد حنبلى، عبدالحى بن عماد؛ شذرات الذهب فى أخبار من ذهب؛ بيروت: داراحياء التراث، بى تا.
٥. ابن كثير، اسماعيل بن عمر؛ البداية والنهاية؛ تحقيق: على شيرى، بيروت: داراحياء التراث العربى، ١٤٠٨ق.
٦. ابوالقاسم كوفى، على بن احمد؛ الاستغاثه فى بدع الثلاثة؛ تهران: مؤسسة الأعلمى، ١٣٧٣ش.
٧. ابونعيم اصفهاني، احمد بن عبدالله، دلائل النبوة.
٨. اربلى، على بن عيسى؛ كشف الغمة فى معرفة الأنمة عليه السلام؛ بيروت: دار الاضواء، ١٤٠٥ق.
٩. بدران، عبدالقادر؛ تهذيب تاريخ دمشق الكبير؛ بيروت: دار إحياء التراث العربى، ١٤٠٧ق.
١٠. بلاذرى، احمد بن يحيى؛ انساب الاشراف؛ تحقيق: سهيل زكار، رياض زركلى، بيروت: دارالفكر، ١٤١٧ق.
١١. حاكم نيشابورى، ابو عبدالله؛ المستدرک على الصحيحين؛ بيروت - لبنان: دارالمعرفة، ١٤٠٦ق.
١٢. حلبي، على بن برهان؛ السيرة الحلبيه؛ بيروت: دارالمعرفة، ١٤٠٠ق.
١٣. زبيرى، مصعب بن عبدالله؛ نسب قريش؛ قاهرة: چاپ لورى پرووانسال، ١٩٥٣.
١٤. عسكرى، حسن بن عبد الله بن سهل؛ الأوائل؛ بيروت: دار الكتب العلمية، ١٤٠٧ق.
١٥. كلينى، محمد بن يعقوب؛ الكافى؛ تحقيق: على اكبر غفارى، چاپ سوم، تهران: دارالكتب الاسلاميه، ١٣٨٨ق.
١٦. مجلسى، محمدباقر؛ بحار الأنوار؛ تحقيق: محمدباقر بهبودى، بيروت: دار احياء التراث العربى، ١٤٠٣ق.
١٧. منقرى، نصر بن مزاحم؛ وقعة صفين؛ تحقيق: عبدالسلام محمد هارون، قم: مكتبة آية الله المرعشى، ١٣٨٢ق.
١٨. نووى، أبو زكريا يحيى بن شرف؛ تهذيب الأسماء واللغات؛ بيروت: دار الفكر، ١٤١٦ق.